

واکاوی رمان «شوهر آهو خانم» بر اساس نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی آلبرت بندورا

فرهاد حامدی^۱، کامران پشایی فخری^{۲*} و پروانه عادلزاده^۳

چکیده

از آن جایی که بررسی نظرات متفکران نظریه پرداز در حوزه یادگیری و استخراج دلالت‌های آن می‌تواند راهنمای پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گیرد، بر این اساس کانون اصلی توجه پژوهش حاضر بر بررسی نظریه شناختی - اجتماعی آلبرت بندورا و استخراج منطقی دلالت‌های آن در رمان «شوهر آهو خانم»، نوشته علی محمد افغانی قرار گرفته است. همچنین از دلایلی که در این مقاله، این نظریه برای بررسی انتخاب شده، وسعت مبنای نظری بندورا در حوزه اجتماعی، شناختی و گستردگی کاربرد آن در حوزه یادگیری است. سوال این پژوهش عبارت است از: کدام مؤلفه‌های نظریه شناختی - اجتماعی آلبرت بندورا در رمان «شوهر آهو خانم» مشهود است؟ روش مورد استفاده در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است. از یافته‌های پژوهش حاضر تشریح مواردی چون یادگیری مشاهده‌ای، و مؤلفه‌های آن مانند: توجه، یادداری، بازآفرینی و انگیزش است. که بر اساس این مؤلفه‌ها به بررسی و تحلیل رمان «شوهر آهو خانم» پرداخته شده است. که تمامی این شاخصه‌ها به تفصیل، توضیح داده شده است.

کلید واژه‌ها: یادگیری شناختی - اجتماعی، آلبرت بندورا، شوهر آهو خانم، علی محمد افغانی، ادبیات بینارشته‌ای.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. Hamedi@yahoo.com

^۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

pashaeikamran@yahoo.com

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. adelzade@iaut.ir

مقدمه

نظریه یادگیری اجتماعی با موضعی اصولی در اوایل نیمه دوم قرن بیستم به وسیله گروهی از روان‌شناسان، بویژه «آلبرت بندورا» با کوشش و فعالیت گسترده مطرح گردید. گرچه این نظریه بر شرطی شدن عامل، مانند تغییر رفتار قرار دارد، اما بنیادهای اصلی آن بر نمادسازی، فرضیه‌انگاری، جستجوی روابط علت و معلول و پیش‌بینی پیامدهای رفتاری استوار است. به این جهت این نظریه آمیزه‌ای از رفتارگرایی و شناخت‌گرایی است. به عقیده بندورا محیط بی‌شک در رفتار تأثیر می‌کند. نظام اجتماعی است که از راه تشویق و تنبیه، افراد جامعه را به اجرای رفتارهای معینی وادار می‌سازد یعنی، به اصطلاح بندورا رفتار انسان بر جبرگرایی دوسویه پایه‌ریزی می‌شود. بندورا برای توضیح یادگیری اجتماعی خود به مواردی مانند چهارچوب ادراکی، یادگیری کاروری و جانشینی، یادگیری و عملکرد، اهمیت تقلید در یادگیری، الگوبرداری و مشاهده اشاره می‌کند.

«در دو دهه اخیر نظریه شناختی اجتماعی، بندورا به طور وسیعی در رشته‌ها و زمینه‌های گوناگون علمی مورد توجه قرار گرفته است و یافته‌های پژوهشی بسیاری از آن حمایت کرده‌اند. (پاجارس^۱، ۱۳۸۷) نظریه شناختی اجتماعی بندورا (۱۹۸۹) بر باور افراد پیرامون توانایی‌شان در تصمیم‌گیری و انجام فعالیت براساس پیامدها و نتایج احتمالی آن اشاره دارد. این نظریه بر مبنای این ایده است که بسیاری از یادگیری‌های انسان، در یک محیط اجتماعی اتفاق می‌افتد. ما از طریق مشاهده دیگران، دانش، قواعد، مهارت‌ها، راهبردها، عقاید و نگرش‌ها و با مشاهده و استفاده از الگوها، سودمندی و مناسب بودن رفتارها را یاد می‌گیریم. براساس این نظریه، بسیاری از یادگیری‌های ما از طریق الگوبرداری و مشاهده رفتار دیگران و مشاهده پیامدهای رفتارهایی است که دیگران انجام می‌دهند.

هدف این پژوهش، بررسی نظریه شناختی-اجتماعی آلبرت بندورا در رمان «شوهر آهوجانم»، نوشته علی محمد افغانی است و پاسخ به این پرسش که کدام مؤلفه‌ها و شاخصه‌های این نظریه در این رمان نمود دارد. بنابر این بعد از بیان نظریه شناختی-اجتماعی و کارکردهای این نظریه و مسائل مربوط به آن به تحلیل آن پرداخته شده است. در این پژوهش برای این منظور در

^۱ - Pajares

ابتدا از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری مبانی نظری، مفاهیم و اصول نظریه شناختی-اجتماعی استفاده شد. سپس تفسیر نظریه شناختی-اجتماعی در این رمان تبیین شد.

اهمیت تحقیق

در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی است، با مطالعه رمان «شهر آهو خانم» براساس نظریه شناختی-اجتماعی بندورا، حاکی از آن است که نویسنده در قالب داستان برای بیان بهترین روش‌های زندگی بهره می‌گیرد. سعی دارد برای بهبود روابط و رفتارهای انسانی، راهکارهایی به مخاطب خود ارائه نماید. این مفاهیم با نظریه شناختی - اجتماعی بندورا مطابقت دارد. افغانی، به مفاهیم عمده نظریه شناختی - اجتماعی، بندورا، نظیر یادگیری مشاهده‌ای و فرایند موثر بر آن، توجه، یادداری، بازآفرینی و انگیزش در این رمان پرداخته است.

سؤال تحقیق

کدام مؤلفه‌ها و شاخصه‌های نظریه شناختی-اجتماعی آلبرت بندورا در داستان «شهر آهو خانم» نوشته علی محمد افغانی مشهود است؟

پیشینه تحقیق

در زمینه نظریه شناختی - اجتماعی آلبرت بندورا در آثار علی محمد افغانی، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است، اما در زمینه نظریه شناختی - اجتماعی، آثاری به چاپ رسیده است از جمله:
۱- مقاله «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های غزالی و بندورا در تربیت اخلاقی»، محمد کاویانی، در فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلامی، زمستان ۱۳۹۱، که هدف بررسی تحلیلی آراء غزالی و آلبرت بندورا در باره تربیت اخلاقی در حیطه نظری است.
۲- مقاله «نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی بندورا و دلالت‌های آن»، طاهره جاویدی کلاته جعفر آبادی، اولین همایش ملی یافته‌های علوم شناختی در تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰، که به بررسی

نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی بندورا و استخراج منطقی دلالت‌های تربیتی آن در سه حوزه اجتماعی، شناختی و رفتاری پرداخته است.

۳- مقاله «نقد گلستان سعدی از دیدگاه نظریه شناختی - اجتماعی بندورا»، رقیه علایی، فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات معاصر جهان، در این پژوهش، به روش مقایسه‌ای بر آن است تا نظرات سعدی را در حکایت‌های گلستان با نظریه شناختی - اجتماعی بندورا مقایسه کند.

۴- مقاله «بررسی تطبیقی فرایندهای یادگیری مشاهده‌ای بندورا در قرآن»، دکتر سمیه حسن‌نیا، ماهنامه رویش روان‌شناسی. مسأله اصلی این پژوهش، تطبیق فرایندهای یادگیری مشاهده‌ای بندورا در قرآن است.

در این زمینه مقاله‌های دیگری نیز وجود دارد، اما در مورد موضوع این پژوهش تحقیق مستقلی صورت نگرفته است، لذا از این حیث بدیع می‌باشد.

علی محمد افغانی

«علی محمد افغانی، در خانواده‌ای فقیر در کرمانشاه در سال ۱۳۰۴ متولد شد. دوره متوسطه را در زادگاهش تمام کرد، سپس برای گرفتن کمک هزینه و مسکن، به تهران آمد و وارد دانشکده افسری شد. بورس تحصیلی به آمریکا را به دلیل هوش بالا گرفت و در همان جا با ادبیات ملل و رمان‌نویسی آشنا شد. دو ماه از ازدواجش نگذشته بود که در هنگام بازگشت از آمریکا در سال ۱۳۳۳، به اتهام عضویت در حزب توده توسط ماموران نظامی دستگیر و به زندان قصر منتقل شد. تا انقلاب ۱۳۵۷ در زندان ماند و به گفته خودش در زندان بود که رمان «شوهر آهو خانم» را به رشته تحریر در آورد. این کتاب اولین رمان واقعی به زبان فارسی بود که در سال ۱۳۴۰ منتشر و فوراً از سوی انجمن کتاب ایران به عنوان بهترین رمان برگزیده شد. همچنین به دلیل استقبال بسیار بالا از رمان، فیلمی نیز با همین نام به کارگردانی «داوود ملاپور» و بازیگری «مهری ودادیان» در سال ۱۳۴۷ ساخته شد.» (افغانی، ۱۳۹۰: ۵)

خلاصهٔ رمان «شوهر آهو خانم»

رمان شوهر آهو خانم برای نخستین مرتبه با سرمایه‌گذاری نویسنده در سال ۱۳۴۰ به چاپ رسید. داستان در طی سال ۱۳۱۳ در شهر کرمانشاه، غرب ایران که نویسنده دوران کودکی را در آن گذرانده است، اتفاق می‌افتد. سه شخصیت اصلی داستان، مردی به نام سیدمیران سرابی رئیس صنف نانویان و دو همسر اوست. میران مردی میان‌سال و چاپلوس حکومت با دیدن «آهو» - زن مطلقه‌ای با چهار فرزند - دل از میران می‌برد. فصل نخست و دوم رمان به زندگی و گذشته آهو و هم‌زمان زندگی مشترکش با میران می‌پردازد؛ تا این‌که در فصل سوم، میران اجازه ورود هم‌زمانی زیبا و در عین حال هوس‌ران را به زندگی خود می‌دهد و او را به عقد خود درمی‌آورد. بخش‌های زیادی از رمان به نزاع بین این سه نفر می‌گذرد. سیدمیران که اسیر افسون زنانهٔ آهو شده با او بدرفتاری می‌کند، او را کتک می‌زند و ناسزا می‌گوید. هم‌ا، زنی است دل‌بسته ظواهر مدرن و میران را مجبور به تغییر قیافه سستی و کاسب‌کارانه خودش می‌کند. بدین ترتیب هم‌ا روزبه‌روز به هوس‌های خود بیش‌تر دل می‌بندد و شوهرش را نیز همراه خود به پایین می‌کشد. در این‌حین، ثروت میران هر روز کمتر می‌شود. فقر رابطه هم‌ا و میران را خراب می‌کند. سرابی آهوخانم را از خانه می‌راند و او نیز به دِه مادری باز می‌گردد. میران و هم‌ا تصمیم می‌گیرند که به سفری طولانی بروند اما آهوخانم که از این ماجرا خبردار شده است میران را به خانه خود باز می‌گرداند. هم‌ا نیز با راننده شهر را ترک می‌کند و آهوخانم سعی می‌کند تا زندگی در هم شکسته‌اش را سامان بخشد.

۱ - مبانی نظری پژوهش

۱ ۴ - یادگیری اجتماعی^۱

«واژه Learning، به معنی آموزش، یادگیری و فراگیری است، و Social در این‌جا در معنای وصفی و به معنای اجتماع و منسوب به جامعه است.» (آریان‌پور، ۱۳۸۵: ۱۲۹۴)

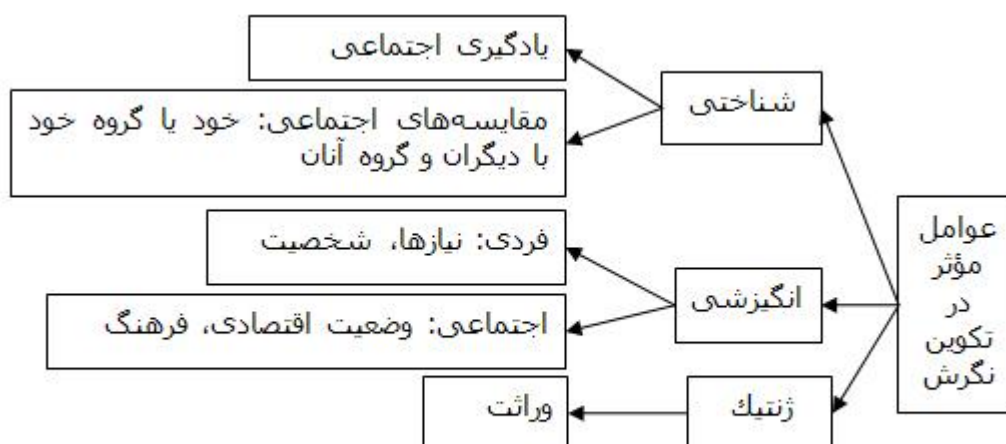
^۱ Social Learning

«یادگیری، اساس رفتار آدمی می‌باشد. اکثر رفتارهای آدمی حاصل یادگیری می‌باشد. انسان از طریق یادگیری روی محیط خود تاثیر می‌گذارد و از آن تاثیر می‌پذیرد.» (قلی‌پور، ۱۳۷۶: ۶۹)

«فرآیند یادگیری از آغاز تولد انسان شروع می‌شود و تا پایان عمر او ادامه دارد و ساحت‌های فراوانی از یاد گرفتن، سخن گفتن تا رفتار اجتماعی و پرورش عقلانی، عاطفی و روحی و اخلاقی و ... را شامل می‌شود. روان‌شناسان همواره تلاش داشته‌اند که فرآیند یادگیری را تبیین کنند و از جمله انواع یادگیری، یادگیری رفتارهای اجتماعی چون نوع دوستی، پرخاشگری، تحمل، مدارا و ... است. یادگیری اجتماعی، فرآیندی است که طی آن، رفتارها - خوب و بد، به‌هنگار و نابه‌هنگار- آموخته می‌شوند. پس از دوران کودکی، از طریق ارتباط اجتماعی با والدین، رسوم، آداب فرهنگی و رفتارهای قابل قبول، جامعه‌پذیر می‌شویم. همچنین انواع هیجانات چون ترس‌ها، حبّ و بغض‌ها را نسبت به افراد و ارزش‌ها و نهادها و امور اجتماعی و شخصی در جامعه می‌آموزیم. این فرآیند، عبارت است از یادگیری اجتماعی.» (ارنسون، ۱۳۸۹: ۴۰۳)

۱-۲- یادگیری اجتماعی و ایجاد نگرش

«عوامل مؤثر در تکوین نگرش در نمودار زیر به نمایش درآمده‌اند، که نقش یادگیری اجتماعی در تکوین نگرش را به خوبی نشان می‌دهد.» (همان: ۱۴۶)



۳- نظریه شناختی - اجتماعی

«از دهه ۱۹۹۰ به بعد جریان تازه‌ای از معرفت‌شناسی در علوم اجتماعی و انسانی به وجود آمد که بر ماهیت اجتماعی زیست محیطی و محتوا مداری دانش تأکید می‌ورزید و رویکردهای شناختی را که قائل به تاثیرات اجتماعی و حرفه‌ای نبوده‌اند را نارسا تلقی می‌کرد. این تغییر نگرش در فناوری اطلاعات بازتاب داشت چنان که علم رایانه که تا مدت‌ها از الگوی ذهن انسان منفرد و کارکردها و ساز و کار مغز و علوم شناختی بهره می‌برد به تدریج به پژوهش‌هایی رو آورد که در آن‌ها شناخت و دانش پدیده‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی تلقی می‌شد و بدین ترتیب نظام‌های تعاملی در دنیای سایبراسپیس^۱ جانشین نظام‌های مبتنی بر سایبرنتیک و روان‌شناسی فردگرایانه گردید.» (رها دوست، ۱۳۸۶: ۴۳۱)

«در این دهه بود که نظریه شناختی - اجتماعی در علوم اطلاع‌رسانی توسط یورلند^۲ و البرچتسن^۳ معرفی شد. این نظریه به عنوان نظریه‌ای جدید در علم اطلاعات و دانش‌شناسی و به عنوان جایگزینی برای دیدگاه شناختی مطرح شد.» (یورلند، ۲۰۰۴) اگر چه تحلیل حوزه بر حوزه‌ها در مقابل افراد به عنوان واحدهای تحلیلی در علم اطلاعات تاکید دارد. اما در عین حال از فرایندهای شناختی افراد کاربر، نیز دورنمایی دارد. این دورنما در قالب عبارت دیدگاه اجتماعی - شناختی مطرح شده است.

۳-۱- نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی بندورا

«آلبرت بندورا، کانادایی و از روان‌شناسان نامدار حوزه روان‌شناسی اجتماعی در قرن بیستم است. نظریه یادگیری وی، در سال‌های ۶۹-۱۹۶۵ مطرح گردید. نظریه او، یادگیری شناختی - اجتماعی است که یادگیری مشاهده‌ای و نظریه سرمشق‌گیری هم نامیده شده است.» (آقا یوسفی، ۱۳۸۶، ۲۴۰) که با توجه به کاربرد فراوان تبیین‌های مورد نیاز در حوزه مسائل روان‌شناسی

^۱ Cyberspace

^۲ Yorland

^۳ Albrechtsen

^۴ Hjørland

^۵ Albert Bandura

اجتماعی، این علم نوپا از نظریه ایشان استفاده‌های فراوانی کرده است. بنا به این نظریه، یادگیری از راه مشاهده^۱، تقلید^۲ و الگوبرداری^۳ انجام می‌شود و به عامل تقویتی نیازی ندارد.

۴- فرآیندهای اصلی یادگیری مشاهده‌ای

«بندورا یادگیری مشاهده‌ای را شامل چهار فرآیند اصلی می‌داند:

- ۱- توجه: اولین فرآیند لازم برای وقوع یادگیری مشاهده‌ای توجه است. برای باز تولید اعمال الگو باید به حرف‌ها و اعمال وی توجه کنید. اگر دستگاه پخش صوت خراب کند نمی‌توانید بشنوید دوست‌تان چه می‌گوید.
- ۲- یادداری: یادداری دومین فرآیند ضروری برای وقوع یادگیری مشاهده‌ای است. شما برای بازتولید اعمال الگو باید اطلاعات را رمزگذاری کنید و در حافظه نگه دارید تا قابل بازیابی شوند.
- ۳- بازتولید حرکتی: تولید به تقلید کردن اعمال الگو اطلاق می‌شود. آدم‌ها گاهی به الگو توجه می‌کنند و دیده‌های خود را در حافظه رمزگردانی می‌کنند، ولی محدودیت‌های حرکتی آنان، جلوی بازتولید عمل الگو از سوی آنان را می‌گیرد. سیزده ساله‌ها اگرچه کوبیدن توپ بسکتبال داخل تور را می‌بینند، ولی نمی‌توانند عمل بسکتبالیست‌های حرفه‌ای را بازتولید کنند. تقلید، تلویحاً به معنی محدود پاسخ طوطی‌وار است و نقطه مقابل آن همانندسازی است که به معنی یکی‌سازی همه الگوهای رفتاری با سرمشق است. الگوگیری، وسیع‌تر از تقلید و محدودتر از همانندسازی است.
- ۴- تقویت: تقویت یا مشوق آخرین مؤلفه یادگیری مشاهده‌ای است. خیلی پیش می‌آید که به حرف‌ها و اعمال الگو توجه می‌کنیم، اطلاعات را در حافظه نگاه می‌داریم و ظرفیت‌های حرکتی لازم برای عمل کردن را داریم، ولی به دلیل ناکافی بودن تقویت، رفتار مورد نظر

^۱ Observation

^۲ Imitation

^۳ Modeling

را تکرار نمی‌کنیم. بندورا در مطالعاتش، اهمیّت این مرحله را نشان داده است. کودکی که شاهد تنبیه شدن الگو بابت پرخاشگریش بوده، فقط در ازای تشویق شدن الگو پرخاشگری الگو را بازتولید می‌کند.» (آقا یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۴۴-۲۴۳)

شناسایی و تبیین محتوای رمان «شوهر آهو خانم» بر اساس نظریه بندورا همان‌گونه که قبلاً گفته شد با توجه به نظریه بندورا، اولین فرآیند لازم برای وقوع یادگیری مشاهده‌ای، توجه است. این مرحله نشان می‌دهد چگونه شخصیت‌های انسان به اشیاء، چیزها، رفتارها، سخن‌ها و امور در وهله اول توجه نشان می‌دهند. این توجه گام آغازین برای بازتولید همه اعمال به صورت الگوهای رفتاری است که در روابط اجتماعی خود را در معرض دید قرار می‌دهند.

«بوی رنگ فضا را پر کرده بود و کسانی که با دکان‌ها و مغازه‌ها سر و کار پیدا می‌کردند به دقت مواظب خود بودند که به درها مالیده نشوند...» (افغانی، ۱۳۹۰: ۲۲)

توجه، لازمه یادگیری است. هر چیزی که توجه انسان را بر هم زند، اثری منفی بر یادگیری مشاهده‌ای خواهد گذاشت.

«... خوب، تو چه گفتی؟ بگو چه دارم که بگویم، وقتی هنوز نمی‌دانم به چه زبان باید با او صحبت کنم. می‌گویند خیلی نانجیب و بددهان است...» (همان: ۲۸)

اگر کل پدیده یا جنبه‌ای از موقعیت برای فرد جدید باشد؛ توجه او را بیش‌تر به خود جلب می‌کند.

«روزهای چندی از ماه رمضان را که گذشته بود، طبق عادت هر ساله، سید میران سرابی بعد از ظهرها اغلب به مسجد می‌رفت، پشت سر آقا نمازش را می‌خواند و با فراغت خاطر و طراوت باطن و عظم و مسئله‌ای نیز گوش می‌کرد؛ حدیث‌ها و تمثیل‌ها می‌شنید و چیزها می‌آموخت...» (همان: ۳۳)

نویسنده نشان می‌دهد که در بدو امر شخصیت داستان به صورت یک رفتار تکراری و طبق عادت به مسجد می‌رفته است ولی کم‌کم به موضوعاتی که توسط روحانی مسجد گفته می‌شد،

توجه کرده و چیزهایی را یاد می‌گرفت. هم چنین روند یادگیری مشاهده‌ای روندی تکراری است که از کودکی وجود داشته است.

«... الان خوب میشه، همین الان. هان نگفتم! بچه دیگر گریه نمی‌کرد. با این حرف‌ها او

می‌خواست توجه بچه را که حیران مانده بود برگرداند.» (همان: ۳۸)

زن جوان برای ساکت کردن بچه که گریه می‌کرد سعی می‌کرد با حرف زدن توجه او را به

خود برگرداند تا آرام بگیرد.

«هنگامی که سیدمیران نمازش را تمام کرد و دست‌ها را با دعا به صورت مالید، زن با نگاهی

جوینده چهره او را مطالعه کرد که مبادا حواس پرتی‌اش از حدود یک گرفتاری معمولی خارج

باشد...» (همان: ۶۱)

آهو خانم، به سیدمیران که در حال نماز خواندن است با دقت نگاه می‌کند چون متوجه تغییر

رفتار و حالت او شده بود.

در تداوم مرحله اول، مرحله نگهداری و یادآوری رخدادها و رفتارها شکل می‌گیرد. بسیاری از

مواردی که افراد مشاهده می‌کنند، نمی‌توانند آنان را تحت تأثیر قرار دهند مگر این‌که آنچه را که

مشاهده کرده‌اند به یاد بسپارند. مشاهده‌گر پس از توجه به الگو یا مشاهده شونده، اعمال و رفتار

او را با رمزگردانی نمادی و تبدیل به کد به یاد می‌سپارد.

«هما روحش بیمناک و در جستجوی آزادی بود.» (همان: ۱۰۳)

«آستین‌ها را بی‌ریا تا زیر بغل بالا زده و لب حوض بازوهایش را آب می‌کشید. با این

عمل می‌خواست به سیدمیران بفهماند که در خانه طالب آزادی است.» (همان: ۳۶۸)

در این مرحله قابلیت ذخیره‌سازی و نگهداری اطلاعات نقش مهمی در فرآیند یادگیری

دارد اگرچه عوامل متعددی می‌توانند بر یادداری تأثیر گذارند.

«... قضاوت او نسبت به زن چادر سفید از یک کنجکاوای خاموش نشده و احتیاط‌آمیز پا

فراتر نمی‌گذشت. زیبایی و لطافت رخسار این مشتری پریرو، با همه سادگی‌اش، چنان جلوه

خیره‌کننده و فوق‌زمینی داشت...» (همان: ۳۵)

این جمله نشان می‌دهد که شخصیت داستان (نانوا) کاملاً چهره زن مشتری را به خاطر سپرده و خاطره حرکت جسمانی وی در ذهن مشاهده کننده ثبت شده است.

«... هنگام نماز در مسجد، به طور تیره و ناروشنی حافظه‌اش یاری کرد تا به خاطر بیاورد که در بین مشتریان روز پیش از آن نیز زنی چادر سفید با همان قد و قواره از دکان نان خریده بود. کم‌کم یادش آمد...» (همان: ۳۵)

اغلب یادگیری‌های اجتماعی فوری نیستند، لذا توانایی ذخیره اطلاعات یاد گرفته شده بخش مهمی از فرآیند یادگیری است. عوامل بسیاری روی نگه‌داری اثر می‌گذارد اما توانایی بیرون کشیدن این اطلاعات و مطابق آن رفتار کردن در یادگیری مشاهده‌ای بسیار مهم است.

«... اگر فردا شب هم کار داشتی به خاطر داشته باش که پیرزن را برای همیشه از من دلگیر کرده‌ای؟...» (همان: ۶۷)

این تأکید نشانگر کمک به یادآوری حوادث قبلی توسط شخصیت‌های مختلف داستان است. در واقع می‌توان گفت یاد آوری خاطرات یا عدم یادآوری باعث می‌شود که فرد در موقعیت‌های بعدی زندگی اشتباهات را تکرار کرده یا از تکرار آن‌ها پرهیز نماید.

«... اما قضاوت او نسبت به زن چادر سفید از یک کنجکاوی خاموش نشده و احتیاط‌آمیز پا فراتر نمی‌گذاشت. زیبایی و لطافت رخسار این مشتری پریرو، با همه سادگی‌اش، چنان جلوه خیره کننده و فوق‌زمینی داشت که مرد مومن از روی بیم و پاکدلی بیاد این روایت مذهبی افتاد: و پرهیزید از زنان که امت شیطانند...» (همان: ۳۵)

زیبایی زن جوان که هر روز به نانوایی سیدمیران می‌رود، او یاد روایت مذهبی می‌افتد تا از فکر زن جوان بیرون بیاید.

«... او به پند و راهنمایی احتیاج دارد؛ پند و راهنمایی که حتی پیران و جهان‌دیدگان آزموده، خود را از آن بی‌نیاز ندیده‌اند. اگر تا یکی دو روز دیگر که پشت این دستگاه هستم توانستم او را ببینم، نکته‌هایی را پدران یادآور می‌شوم...» (همان: ۵۲)

از نظر نویسنده راهنمایی دیگران و یادآوری نکته‌های آموزنده برای یادگیری مفید است.

«...کسانی که می‌گویند زندگی و تربیت دوران کودکی تعیین‌کننده اصلی شخصیت و خصوصیت‌های فرد است قطعاً این نمونه‌ها را پیش چشم داشته‌اند...» (همان: ۷۲)

تربیت و آموزش دوران کودکی و یادگیری در آن زمان می‌تواند در آینده کودک تأثیر زیادی داشته باشد.

سومین فرایند مطرح در تقلید، مسأله بازسازی حرکتی یا تولید رفتار است. برای مثال چه بسا کودک به مدل (مشاهده شونده) توجه کرده و حاصل مشاهدات خود را نیز به کد تبدیل کرده باشد، اما به دلیل محدودیت در مهارت‌های حرکتی نتواند فعالیت‌های الگو را بازسازی کند. توجه به اعمال الگو و یادسپاری آن به این معنا نیست که فرد بتواند اعمال مشاهده شده را عیناً تقلید کند. برای این کار علاوه بر داشتن توانایی‌های لازم، نیاز به تمرین و بازخورد هست. این امر در مورد رفتارهای پیچیده مصداق بیش‌تری پیدا می‌کند. ممکن است فرد در عمل نتواند از آنچه یاد گرفته استفاده کند، یا این که رفتار مشاهده شده را در چارچوب شناختی خود تفسیر کند و رفتارش با آنچه مشاهده کرده، تا اندازه‌ای تفاوت داشته باشد. همچنین ممکن است پاسخ رفتاری مشاهده‌گر مدّت‌ها پس از مشاهده الگو بروز کند. نشانه‌های ذخیره شده به عنوان سرمشقی عمل می‌کنند که مشاهده‌گر رفتار خود را با آن مقایسه و به تدریج خود را اصلاح و با آن همسان می‌سازد.

«... آن روزها را مگر ما دیگر در خواب ببینیم که آسیابان در دست نانوا از موم هم نرم‌تر بود! اسم خبازباشی را که می‌شنیدند موی به نشان راست می‌شد.» (همان: ۲۶)

به محض آن که افراد به مدل توجه کنند و اطلاعات را به حافظه خود بسپارند، زمان انجام واقعی رفتاری که مشاهده کرده‌اند فرا می‌رسد.

«... پیش خود مشغول سنگین و سبک کردن پیشنهاداتی شد که قصد داشت در قرارداد جدید به طرف زورمند خود بقبولاند. پیش از آن، یکی دوبار در این خصوص با یاور که مردی نرم‌خو و اخلاقی بود گفتگو به عمل آورده بود.» (همان: ۳۰)

زمانی که توجه و اطلاعات را به مدل ذخیره می‌کنید در مرحله بعد باید رفتار یادگرفته شده را انجام دهید. تمرینات بعدی رفتار آموخته شده منجر به بهبود و افزایش مهارت در فرد می‌شود.

«... زن، سر به طرف دیگر گرداند، دستی را که گوشه چادر دم رویش گرفته بود با همان سادگی دلنشین خود عوض کرد و پس از لحظه‌ای تردید و مکث لب‌هایش به پاسخ جنید.» (همان: ۳۱)

«... آنچه حقیقتاً رنجش می‌داد غم دیگران بود؛ زیرا معنی غم و غمخواری را او بیش از شادی و با گوشت و پوست خود لمس کرده بود...» (همان: ۸۲)

سیدمیران خود چون سختی بسیار دیده بود حال مردم را درک می‌کرد و به آن‌ها کمک می‌کرد. مردمی که در سختی زندگی می‌کردند شباهت به روزهای سخت سیدمیران و آهو خانم داشت.

«... همین امشب یا حداکثر صبح فردا یکی از زنان همسایه یا خود آهو زخم را پیشش می‌فرستم تا از حالش جويا شوند. در این صورت اگر به راستی احتیاج به کمکی دارد یا گرهی در کارش هست آشکار خواهد شد. این کار خود من نیست؛ باید از هم‌جنسان خود او کمک گرفت...» (همان: ۹۳)

از نمونه‌های این مرحله در داستان می‌توان به یاری و کمک انسان‌ها به هم در زمان نیاز، احساس همدردی با دیگران، کمک به هم‌جنسان و... اشاره کرد.

فرایند چهارم یادگیری مشاهده‌ای، انگیزش است. یادسپاری و حتی داشتن توان لازم، برای تقلید از الگو کافی نیست و وجود انگیزه ضروری است. بدون مشوق و انگیزه کافی جریان یادگیری آن طور که باید تحقق نمی‌یابد. پیامد عمل یعنی انتظار تقویت و تنبیه، در تقلید مؤثر است. البته بندورا تقویت را به عنوان یک عامل ضروری در یادگیری تلقی نمی‌کند و می‌گوید عملکرد فرد - نه یادگیری او - به تقویت یا پاداش وابسته است. بنابراین نقش تقویت در نظریه بندورا متفاوت است. او بین یادگیری و عملکرد تمایز قایل می‌شود زیرا افراد هر چیزی را که یاد گرفته‌اند انجام نمی‌دهند. برای موفقیت یادگیری مشاهده‌ای باید انگیزه کافی برای تقلید از رفتاری که مدل‌سازی شده است، داشت.

«... بله آقا شجاع، نه تنها به همه دکان‌ها رجوع کرده‌ام، بلکه چنان که قطعاً بی‌خبر نیستید، شب و نصف شب به در خانه‌های آقایان سرزده‌ام. برای این که قول شرف بگیرم جایی ریش گرو

گذاشته‌ام جایی نازکشی کرده‌ام. دستمال بیرون آورده‌ام و به معنی درست کلمه ناز آن‌ها را کشیده‌ام... تا بالاخره توانسته‌ام آن‌ها را برای جلسه روز دوازدهم ماه رمضان، یعنی همین ساعت راضی کنم...» (همان: ۲۵)

میل به انجام رفتار، پاداش‌ها و تنبیه‌هایی که در پی رفتار می‌آیند توسط مشاهده کننده مدنظر قرار خواهند گرفت. اگر پاداش‌های ادراک شده بیش از هزینه‌های ادراک شده (در صورت وجود) باشند، رفتار به احتمال بیش‌تر توسط فرد مشاهده کننده تقلید می‌شود.

«... روزی که شما به جای قاسم خان رئیس صنف انتخاب شدید یک دلخوشی من و خیلی‌های دیگر این بود که دست کم آدمی فهمیده، با ابتکار و از همه مهم‌تر بی‌غرض پیدا کردیم...» (همان: ۲۷)

قدم آخر جهت موفقیت یادگیری مشاهده‌ای افراد باید برای تقلید رفتار انگیزه داشته باشید. تقویت‌های دورنی، بیرونی و همچنین تنبیه نیز نقش مهمی در با انگیزه کردن افراد دارد.

«... حوصله نشستن، وعظ و مسأله شنیدن را نداشت لااقل می‌توانست با پشت ترازو نهادن خلیفه دگان، ظرف ده دقیقه یا حداکثر یک ربع ساعت خود را به مسجد برساند، نمازی به جا آورد و با صفای بهستی وضوی در صورت و ذکر خدای بر لب به سرکار خود بازگردد...» (همان: ۳۴)

«... چه بهتر که آدم دست تنها و بی‌کس باشد تا به نیرو و پشتکار خودش تکیه داشته باشد و منت خویش و بیگانه را نکشد. به توقول می‌دهم که به یاری خدا امسال هم باغ را بگردانم و هم از درآمد آن زمین را بسازم...» (افغانی، ۱۳۸۸: ۶۹)

سیدمیران به توانایی خود اطمینان دارد، و مطمئن است که امسال بدون نیاز به کمک دیگران، خودش باغ را اداره خواهد کرد و موفق خواهد شد.

«... همان روز در یک گفتگوی دوه‌دو و کاملاً خودمانی به او قول داده بود که اگر نانوآخانه خود را کاملاً زیر حمایت شهرداری بکشد، به عنوان تنها مقام ذی‌نفوذ و صالح، برای آنان می‌توانست خیلی از مشکلات را حل بکند...» (همان: ۹۱)

سیدمیران امیدوار است که نانوآخانه را زیر حمایت شهرداری قرار دهد و از این طریق به مشکلات مردم برسد.

«...سید میران با مهربانی تحکم‌آمیز و مردانه که گوهر ذاتیش بود دوباره به او دلگرمی داد. از هر لحاظ خاطرت آسوده باشد. این اشکالات کوچک‌تر از آن هستند که قابل صحبت کردن باشند. فقط بگو این خانه کجاست، چیست و چگونه کسانی در آن زندگی می‌کنند. برای من همین قدر که علاقه زک و راست تو را به زندگی پاک و درست احساس کردم کافی است که با همه کس اشتباهت نکنم...» (همان: ۱۰۳)

سیدمیران از زن جوان می‌خواهد که در مورد کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کند به او بگوید او مطمئن است که می‌تواند زن جوان را از آن خانه نجات دهد.

اساس این نظریه بر آن است که قصد یا اراده فرد را می‌توان به عنوان منبع اصلی انگیزش به حساب آورد. یعنی ویژگی هدف به خودی خود می‌تواند به عنوان یک عامل انگیزش عمل کند.

نتیجه گیری

رمان فرصت دلپذیری برای آزمایش تئوری‌های انتزاعی روان‌شناسی فراهم می‌سازد. با اعتقاد به این پیش‌فرض ذهنی، هدف پژوهش حاضر این بود که نشان دهد چگونه علی‌محمد افغانی توانسته است صحنه‌ها و شخصیت‌هایی را بیافریند که برای تبیین تئوری شناختی - اجتماعی بندورا مفید باشد. هدف بندورا این بود که ثابت کند یادگیری لزوماً از یک روند خطی و مبتنی بر شرطی - سازی پیروی نمی‌کند. به نظر او، افراد - به عنوان فراگیر - دارای یک رابطه تعاملی با محیط اجتماعی هستند. این رابطه تعاملی عموماً برای افراد معمولی در یک جامعه واحد - از لحاظ فرهنگی - چندان با چالش روبه‌رو نمی‌گردد. مردم برای قرن‌ها از والدین‌شان آداب و رسوم، سنت‌ها، الگوهای رفتاری و تربیتی و روابط جمعی را یاد گرفته‌اند. این یادگیری‌ها عمدتاً از طریق مشاهده رخ می‌داد. یافته مهم تحقیق حاضر بر این است که نشان می‌دهد، علی‌محمد افغانی تلاش کرده است در ساختار یادگیری شناختی - اجتماعی ایرانیان در داستان‌ها در طی یک صد ساله اخیر چالش ایجاد شده است. آگاهی نویسنده از خصایص روح آدمی، حالات، اعمال، رفتار و افکارش از او باعث شده است که دیدگاهش به راحتی قابل درک و استنباط باشد، و بن‌مایه‌های روان‌شناسی را در رمان «شوهر آهو خانم» می‌توان یافت.

محققان حاضر تلاش کردند ثابت کنند که چگونه ادبیات و روان‌شناسی دست در دست هم نشان می‌دهند چالش تربیتی و اجتماعی جامعه در حال گذار ایران برای یادگیری‌های مشاهده‌ای چیست. از یافته‌های پژوهش حاضر تشریح یادگیری مشاهده‌ای و مؤلفه‌های آن مانند: توجه، یادداری، انگیزش و... است. که براساس این مولفه‌ها به بررسی و تحلیل داستان «شوهر آهو خانم» اثر افغانی پرداخته شده است. که تمامی این شاخصه‌ها به تفصیل در این پژوهش توضیح داده شده است.

توجه این نویسنده به انسان و رفتارهای آدمی در موقعیت‌های مختلف موجب شده است تا عقاید آن‌ها منطبق با بسیاری از یافته‌های روان‌شناسی باشد و این امر، باعث شد تا آثار او از دیدگاه نظریه شناختی- اجتماعی بندورا هدف و اساس این تحقیق قرار گیرد. دیدگاهش این نویسنده با مفاهیم عمده یافته‌های نظریه شناختی- اجتماعی آلبرت بندورا منطبق است. آگاهی وی از خصایص روح آدمی، حالات، اعمال، رفتار و افکارشان از او یک روان‌شناس ساخته است که دیدگاهش به راحتی قابل درک و استنباط است و بن‌مایه‌های روان‌شناسی را در این رمان می‌توان یافت. توجه به رمان‌ها از دید روان‌شناسی باعث می‌شود تا سخنان نویسندگان تاثیر بیشتری در مخاطب ایجاد کند.

فهرست منابع و ماخذ

- ۱- ارنسون، الیوت، (۱۳۸۹)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد، ویرایش هشتم.
- ۲- آریان‌پور، منوچهر و عباس، (۱۳۸۵)، فرهنگ انگلیسی به فارسی، جلد یکم، تهران، جهان‌رایانه، چاپ ششم.
- ۳- افغانی، علی محمد، (۱۳۹۰)، شوهر آهو خانم، تهران: نگاه، چاپ سیزدهم.
- ۴- آقایوسفی، علی‌رضا و دیگران، (۱۳۸۶)، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ یکم.
- ۵- پاجارس، فرانک، (۱۳۸۷)، تحول خودکارآمدی تحصیلی، ترجمه مسعود کبیری، تهران: نگاه.
- ۶- رهادوست، بهار، (۱۳۸۶)، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، مجله ماه کلیات، شماره ۱۴۸، صص: ۲۵-۲۴.
- ۷- قلی‌پور، فرض‌الله، (۱۳۷۶)، کلیات روان‌شناسی، تهران: برگزیده، چاپ یکم.
- ۸- یورلند، بیگر، (۲۰۰۴)، نظریه و فرا نظریه در علم اطلاع‌رسانی، مترجم: مهدی داودی، تهران: کتاب‌خانه ملی.